

A Critical Analysis of Common Deviations in Youth Marriage: Drawing upon Islamic Teachings and Sociological Data^{*}

Rouhollah Mohammadi¹ 

Mohammad Esmacil Salehizadeh² 



1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Teachings, Shahroud, Iran (**Corresponding Author**).

r.mohammadi@quran.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Teachings, Shahroud, Iran.

salehi@quran.ac.ir

Abstract

As the fundamental pillar of family formation—which itself serves as the central institution for socialization and the transmission of values—marriage holds a strategic position in Islam. In religious texts, it is regarded as a divine decree and a catalyst for achieving personal and social tranquility and perfection. However, contemporary empirical evidence and sociological studies indicate profound transformations in mate-selection patterns and criteria among the younger generation. In many instances, these shifts contradict or diverge from the normative framework and Islamic teachings regarding marriage. These changes have occasionally manifested as "deviations in marriage criteria," leading to adverse individual and social consequences. The significance of this research lies in the fact that any deviation in marriage entails irreparable repercussions.

^{*} Mohammadi, R., & Salehizadeh, M. E. (2025). A Critical Analysis of Common Deviations in Youth Marriage: Drawing upon Islamic Teachings and Sociological Data. *Islam and Social Studies*, 13(3), pp. 194-223. <https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73169.2180>

 **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

 **Received:** 2025/05/15 • **Revised:** 2025/07/21 • **Accepted:** 2025/09/06 • **Online Publication:** 2025/10/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



Therefore, this study employs a mixed-methods (qualitative-quantitative) approach with a critical analytical perspective to examine and analyze common social deviations in mate selection among youth, based on Islamic teachings and sociological data. The research findings indicate that certain deviant criteria—such as extreme idealism, oversimplification in mate selection, equating all criteria as having the same weight, an exclusive emphasis on romantic love, and resorting to improper forms of marriage—have led to the formation of unstable marital unions. These erroneous attitudes, alongside the evolution of social values, have given rise to unconventional phenomena such as "white marriage" (cohabitation), which seriously undermines the authentic functions of the family institution. From an Islamic perspective, any relationship outside the framework of Sharia-sanctioned marriage (*Nikah*) is strictly condemned. By emphasizing fundamental concepts such as piety (*Taqwa*), modesty (*Haya*), faith, and ethics, religious teachings offer a balanced model of mate selection that guarantees the realization of a stable and transcendent family.

Keywords

Marriage Deviations, Marriage Criteria, Mate Selection, Youth, Pathology of Marriage.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی انتقادی انحرافات رایج در ازدواج جوانان با تکیه بر

آموزه‌های اسلامی و داده‌های جامعه‌شناختی*

روح‌اله محمدی^۱  محمد اسماعیل صالحی‌زاده^۲ 

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول).

r.mohammadi@quran.ac.ir

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم شاهرود، شاهرود، ایران.

salehi@quran.ac.ir

چکیده

ازدواج به عنوان بنیادی‌ترین رکن تشکیل خانواده که خود نهاد محوری جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌هاست، در اسلام از جایگاهی راهبردی برخوردار است و در متون دینی، حکمی الهی و عاملی برای تحقق آرامش و تکامل فردی و اجتماعی قلمداد شده است. با این حال، شواهد تجربی و مطالعات جامعه‌شناختی معاصر حاکی از دگرگونی‌های عمیق در الگوها و معیارهای همسرگزینی در میان نسل جوان است؛ دگرگونی‌هایی که در موارد متعددی با چارچوب هنجاری و آموزه‌های اسلامی در مورد ازدواج، در تناقض یا فاصله قرار می‌گیرد. این تغییرات، در برخی موارد به شکل انحراف در معیارهای ازدواج ظهور یافته و پیامدهای نامطلوب فردی و اجتماعی به همراه داشته است. اهمیت این تحقیق از آن‌روست که هرگونه انحراف در ازدواج، پیامدهای جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. از این رو، این پژوهش با روش ترکیبی کیفی-کمی

* محمدی، روح‌اله؛ صالحی‌زاده، محمد اسماعیل. (۱۴۰۴). بررسی انتقادی انحرافات رایج در ازدواج جوانان با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و داده‌های جامعه‌شناختی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۳)، صص ۱۹۴-۲۲۳.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73169.2180>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



و رویکرد تحلیل انتقادی انجام شده است که در آن، با استناد به آموزه‌های اسلامی و داده‌های جامعه‌شناختی، به بررسی انحرافات رایج اجتماعی در انتخاب همسر در جوانان و تحلیل آن می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که برخی معیارهای انحرافی مانند ایده‌آل‌گرایی افراطی، ساده‌انگاری در گزینش همسر، یکسان‌پنداری تمامی ملاک‌ها و تأکید صرف بر عشق رمانتیک، روی آوردن به شکل‌های نادرست ازدواج، منجر به شکل‌گیری پیوندهای زناشویی ناپایدار گردیده است. این نگرش‌های نادرست در کنار تحول ارزش‌های اجتماعی، موجب پدیده‌های نامتعارفی همچون ازدواج سفید شده که به‌طور جدی کارکردهای اصیل نهاد خانواده را تضعیف نموده است. از منظر اسلامی، هرگونه رابطه خارج از چهارچوب ازدواج شرعی (نکاح) به‌شدت مذموم شمرده شده و آموزه‌های دینی با تأکید بر مفاهیم بنیادینی مانند تقوا، حیا، ایمان و اخلاق، الگویی متعادل از همسرگزینی ارائه می‌نماید که ضامن تحقق خانواده‌ای پایدار و متعالی است.

کلیدواژه‌ها

انحرافات ازدواج، معیارهای ازدواج، انتخاب همسر، جوانان، آسیب‌شناسی ازدواج.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در دنیای معاصر، نهاد خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه با چالش‌های زیادی مواجه شده است که بخش قابل توجهی از این چالش‌ها ریشه در تغییر الگوهای ازدواج در میان جوانان دارد. تحولاتی که موجب شده معیارهای انتخاب همسر و شیوه‌های تشکیل خانواده دچار دگرگونی گردد. در این میان، برخی از این تغییرات با اصول و ارزش‌های اسلامی که همواره به عنوان چارچوبی مستحکم برای تشکیل خانواده پایدار مطرح بوده‌اند، در تعارض قرار دارد.

تشکیل خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، در ادیان الهی و به ویژه اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که میزان توجه به فلسفه و اهداف آن را می‌توان شاخصی برای سعادت یا انحطاط جامعه دانست؛ چراکه «میزان اندیشه و تدبیر در فلسفه و اهداف ازدواج، در میزان پیشرفت یا انحطاط و صعود یا سقوط جامعه تأثیر دارد» (احمدی و حسن‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱). در منظومه فکری اسلام، یکی از اهداف عالی و نتایج مبارک ازدواج پایدار، تربیت نسل صالح است. بر همین اساس، در آموزه‌های دینی، فرزندان شایسته به عنوان «باقیات صالحات» و «زینت زندگی دنیا» (کهف، ۴۶) و «صدقه‌ای جاری برای والدین» معرفی شده‌اند (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۹۷). از سویی دیگر، آنان «قرّة العین» (فرقان، ۷۴) و «امانت‌های الهی» تلقی می‌شوند که مسئولیت خطیر تربیت دینی و اخلاقی آنان بر عهده والدین نهاده شده است (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۶، حکمت ۳۹۹).

فلسفه و زیربنای ازدواج در اسلام، مبتنی بر نگاهی جامع به انسان است که در آن، تمایلات غریزی در مسیر ارضای نیازهای فطری متعالی هدایت می‌شوند. از این منظر، ازدواج افزون بر پاسخ‌گویی به نیازهای غریزی طبیعی مانند میل به جنس مخالف و تولید نسل (ر.ک: نحل، ۷۲)، اصالتاً بستری برای تأمین نیازهای فطری انسان، همچون آرامش، مودت، تکامل اخلاقی و تشکیل کانونی برای تربیت نسل صالح است که در نهایت، وسیله‌ای برای تقرب به خداوند به شمار می‌رود؛ بنابراین، می‌توان گفت اسلام با پذیرش و تنظیم بُعد غریزی ازدواج، آن را به نهادی تبدیل می‌کند که کارکرد

اصلی‌اش پاسخ به دعوت فطرت و تأمین سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه است؛ از این رو، اسلام، ازدواج را راهی متعالی برای پاسخ‌گویی به این ندای درونی معرفی می‌کند (ر.ک: بقره، ۲۲۳). در نظام تربیتی اسلام، پیوند زناشویی حرکتی آگاهانه و مسئولانه است که بر مبنای تعهدی شرعی و الهی استوار گشته است. اسلام با ارتقای این پیمان به سطحی قدسی، آن را به حرکتی هدفدار تبدیل می‌کند که در برگیرنده ابعاد مختلف انسانی است. در رأس اهداف این مکتب الهی، ایجاد کانونی از مودت و آرامش قرار دارد که در پرتو آن، زن و مرد به تعادل روحی و روانی دست یابند (ر.ک: روم، ۲۱).

این نگاه جامع، بر چند اصل کلیدی از جمله قداست، تعهد، توأمانی عقلانیت و عاطفه و غایت‌مندی فراتر از ارضای نیازهای آنی استوار است. در مقابل، برخی تحلیل‌های رایج در جوامع مدرن که بر فردگرایی افراطی یا رویکردهای صرفاً زیستی- روان‌شناختی تأکید دارند، ممکن است بر جنبه‌هایی مانند قرارداد اجتماعی محض، ارضای غرایز یا احساسات زودگذر تمرکز کنند و از ابعاد قدسی، تکلیف‌محور و جامعه‌ساز ازدواج غافل بمانند. با این حال، باید توجه داشت که هر دو حوزه فکری (اسلامی و غربی) درونی متنوع و گاه متضاد هستند؛ همچنین، خود سنت اسلامی نیز نیازمند پالایش از تفاسیر تحریف‌شده یا نگرش‌های تقلیل‌گرا نسبت به زن و ازدواج است.

اهمیت این پژوهش از چند منظر قابل تبیین است. از یک سو، ازدواج به عنوان سنگ بنای تشکیل خانواده، نقشی تعیین‌کننده در سلامت و تعالی فرد و جامعه ایفا می‌کند. از سوی دیگر، آمارهای نگران‌کننده طلاق، کاهش رضایت زناشویی و ظهور پدیده‌های جدید در حوزه ازدواج، ضرورت بازخوانی معیارهای اسلامی و بررسی انحرافات موجود را دوچندان می‌سازد؛ از این رو، این پژوهش به روش ترکیبی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با استناد به آیات قرآن کریم، روایات معصومین (علیهم‌السلام)، و نیز با نگاهی به پژوهش‌های میدانی در پی پاسخ به این پرسش است که از منظر آموزه‌های اسلامی چه انحرافات و کج‌روی‌هایی در الگوهای ازدواج جوانان معاصر مشاهده می‌شود و چه نقدهایی به آن وارد است؟

۱. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که منابع متعددی به این موضوع پرداخته‌اند. سالارزاده بایگی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و آسیب‌شناسی همسرگزینی و ازدواج جوانان ایرانی (تأثیر خانواده و اقتصاد در ازدواج جوانان) انواع، علل، راهکارهای حمایتی و ترویجی برای توسعه آن» به آسیب‌شناسی اقتصادی و خانوادگی مسئله ازدواج جوانان می‌پردازد. شرفی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «روانشناسی ازدواج از دیدگاه اسلام» نشان می‌دهد که چقدر بعد روان‌شناسی موضوع مهم است. حسین‌خانی (۱۳۹۹) در مقاله «باورهای نادرست در مورد ازدواج و نقد آنها با تأکید بر منابع اسلامی» به هفده باور مخدوش در گستره اهداف و کارکردهای ازدواج، آمادگی برای ازدواج و معیارهای همسرگزینی پرداخته است. بلالی و مخدومی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «جدایی‌گزینی فضایی یا جدایی‌گزینی اجتماعی؟...» نشان می‌دهند که جدایی فضایی طبقات اجتماعی (سکونت در محلات مرفه‌نشین و فقیرنشین) در بسیاری از موارد با جدایی اجتماعی در الگوهای ازدواج همراه است و عوامل ساختاری (مانند پایگاه اقتصادی-اجتماعی و جدایی فضایی) و هم عوامل فرهنگی (مانند هنجارهای قومی و قبیله‌ای) بر الگوهای ازدواج تأثیرگذار هستند. کریمی (۱۴۰۱) در پژوهشی درباره «پدیده ازدواج سفید در میان دانشجویان» و احمدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش رسانه در تغییر نگرش به ازدواج» نشان می‌دهد که بسیاری از تحقیقات نتوانسته‌اند پدیده‌های نوظهور را در چارچوب اسلامی بررسی کنند.

هرچند پژوهش‌های پیشین به جنبه‌هایی مانند آسیب‌شناسی و موانع ازدواج پرداخته‌اند؛ اما تمرکز این پژوهش بر مفهوم «انحراف» به مثابه فاصله‌گیری از الگوی معیار مستدل اسلامی و ترسیم نقشه جامع آن در سطوح فکری، رفتاری و ساختاری، وجه تمایز اصلی آن است؛ همچنین، برخلاف مطالعات گذشته که بیشتر بر یک سطح (مانند فردی، باورها، اقتصادی یا ساختاری) متمرکز بودند، این تحقیق با رویکردی ترکیبی و با استفاده از آموزه‌های اسلامی و داده‌های جامعه‌شناختی،

چارچوبی نظام‌مند و چندسطحی برای شناسایی، تحلیل و نقد انحرافات در الگوی ازدواج جوانان ارائه می‌دهد.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از روش ترکیبی انجام شده است. داده‌های کیفی از طریق تحلیل مضمونی متون اسلامی و تحلیل محتوای مطالعات جامعه‌شناختی گردآوری شد. به این شکل که برای ترسیم کلیت مسئله، از داده‌های کمی ثانویه (آمارهای رسمی و نتایج پیمایش‌های معتبر پیشین) استفاده شده است. در مرحله تحلیل نهایی، با روشی تطبیقی-انتقادی، داده‌های حاصل از میدان جامعه‌شناختی با چارچوب هنجاری آموزه‌های اسلامی مقایسه و تبیین شده‌اند.

۳. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

قبل از بررسی انحرافات رایج در ازدواج جوانان که هدف اصلی تحقیق حاضر است، مناسب است واژگان کلیدی عنوان مفهوم‌شناسی شود:

۳-۱. ازدواج^۱

بر اساس منابع لغوی، واژه «ازدواج» از ریشه «زوج» به معنای جفت و همسر یا دو چیز مکمل است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۷۸). زوج به معنای جفت و در مقابل فرد استعمال می‌شود (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۰). «ازدواج»؛ به معنای پیوند زناشویی آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۶). زوج به هر یک از دو همسر (مرد و زن) اطلاق می‌شود و به دو چیزی که با یکدیگر جفت می‌شوند نیز گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۶). همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است: «وَأَنَّهُ خَلَقَ الرِّجَالَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (نجم، ۴۵).

1. Marriage.

در رویکردهای جامعه‌شناختی کلاسیک، ازدواج به عنوان سنگ‌بنا و فرآیند مرکزی تشکیل خانواده که خود یک نهاد اجتماعی کلیدی است در نظر گرفته می‌شود و کارکردهایی چون برقراری روابط قانونی زناشویی و زمینه‌سازی برای تولیدمثل را بر عهده دارد (ر.ک: گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲ به بعد). از دیدگاه حقوقی نیز قرارداد رسمی است که تعهدات حقوقی، اقتصادی و اخلاقی بین زوجین ایجاد می‌کند (ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی).

همچنین ازدواج «قراردادی رسمی برای پذیرش تعهد متقابل به منظور تشکیل زندگی خانوادگی است تا طرفین ازدواج در سایه آن، در خط سیر معین و شناخته‌شده‌ای از زندگی قرار بگیرند. این قرارداد، ارتباط و پیوند دو طرفه به وسیله الفاظ و عباراتی معین انجام می‌گیرد که آن را «عقد» یا پیمان ازدواج می‌نامیم» (پاک‌نژاد، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

از منظر فقه اسلامی، نکاح (ازدواج) عقدی است که به موجب آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می‌شود. نکاح مشروع در اسلام، پیمانی با شرایط خاصی چون ایجاب و قبول، مهریه و وجود شاهد است که ارتباطی حلال را رقم می‌زند (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۱۰). در سطحی فراتر از تعریف حقوقی، در نگرش قرآنی-روایی، ازدواج دارای جایگاه و کارکردهای متعالی است. قرآن کریم آن را مایه آرامش می‌داند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم، ۲۱) و در سنت پیامبر ﷺ، سنت الهی قلمداد شده است: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (شعیری، بی‌تا، ص ۴۱۱؛ با همین مضمون ر.ک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۲).

از این رو، با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی می‌توان گفت ازدواج هم پدیده‌ای طبیعی و هم پدیده‌ای چندبعدی است که شامل ابعاد حقوقی، اجتماعی و دینی است.

۲-۳. اهمیت شناخت انحرافات رایج در ازدواج

شناخت و تحلیل انحرافات رایج در ازدواج جوانان از آن رو ضروری است که انتخاب بر اساس معیارهای نادرست یا غیرالهی، پیامدهای فردی و اجتماعی زیان‌باری در پی دارد. قرآن کریم با نهی از همسرگزینی بر پایه شرک، به طور ضمنی بر پیامدهای مخرب چنین انتخابی تأکید می‌کند: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ» (بقره، ۲۲۱)؛

همچنین، توصیه‌های روایی بر اولویت اخلاق و دینداری (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۹)، در مقابل، هشدار نسبت به غفلت از این معیارهای اساسی و افتادن در دام معیارهای سطحی و زودگذر است؛ بنابراین، شناخت این انحرافات، آگاهی بخشی برای پرهیز از آسیب‌ها و حرکت به سوی تشکیل خانواده‌ای پایدار است.

در مقابل، تحقیقات میدانی نشان می‌دهد انحراف از این معیارها پیامدهای مخربی در پی داشته است؛ به طوری که پژوهش مرکز مطالعات خانواده تهران (۱۴۰۱) نشان داد بیشتر طلاق‌های ثبت شده ناشی از انتخاب‌های نادرست بر اساس معیارهای مادی بوده است.

از دیگر پیامدهای انتخاب نادرست، تأثیرپذیری از معیارهای غیرواقعی شبکه‌های اجتماعی است (ادبی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲). امام علی علیه السلام نیز در هشدار نسبت به این انحرافات فرموده‌اند: «مَنْ تَزَوَّجَ لِحُسْنِ وَجْهِهِ أَذَلَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ تَزَوَّجَ لِمَالِهِ أَفْقَرَهُ اللَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵). این هشدارها از دیدگاه جامعه‌شناختی نیز تأیید شده است؛ چنان‌که مطالعه رشید و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد نارضایتی‌های زناشویی ریشه در عدم تطابق ارزش‌های واقعی زوجین دارد.

ضرورت پیشگیری از این آسیب‌ها در پرتو آمار نگران‌کننده طلاق در کشور اهمیت دوچندان می‌یابد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). شواهد میدانی و مطالعات جامعه‌شناختی نیز حاکی از آن است که یکی از عوامل زمینه‌ساز ناپایداری ازدواج‌ها، جایگزینی معیارهای اصیل با معیارهای سطحی و زودگذر است. در همین راستا، اسلام با ارائه معیارهای متعادل و تأکید بر ازدواج بر اساس صلاحیت اخلاقی و دینی می‌کوشد زمینه تشکیل خانواده‌های پایدار را فراهم کند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَّامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ» (نور، ۳۲).

براین اساس، شناخت معیارهای صحیح و انحرافات رایج در ازدواج هم از منظر دینی ضرورتی شرعی است و هم از دیدگاه جامعه‌شناختی نیاز اجتماعی محسوب می‌شود. برخی مطالعات تجربی در جامعه ایران نیز حاکی از ارتباط بین باورها، عملکردهای دینی و ادراک رضایت از زندگی زناشویی است. تحقیقات نشان می‌دهد خانواده‌هایی

که با معیارهای اسلامی شکل گرفته‌اند، از ثبات و رضایت بیشتری برخوردارند (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ثناگویی‌زاده، ۱۴۰۲). همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: انتخاب بر اساس دینداری، جامع همه نیکی‌هاست (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۱)؛ بنابراین آموزه‌های اسلامی با تأکید بر معیارهای معنوی و اخلاقی، نقش حیاتی در پیش‌گیری از انحرافات و کمک به انتخاب صحیح همسر ایفا می‌کنند.

۴. انحرافات رایج در انتخاب همسر

انتخاب همسر، به عنوان یکی از مهم‌ترین تصمیمات زندگی، متأثر از عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی است. امروزه الگوی ازدواج دستخوش تغییرات اساسی شده و ارزش‌های اولیه آن تحت تأثیر عوامل مختلف، شکل جدیدی یافته است (بورغابی فراهانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷). این پژوهش به بررسی و تحلیل مهم‌ترین انحرافات رایج در انتخاب همسر در عصر حاضر و تطبیق آن با آموزه‌های دینی می‌پردازد.

۴-۱. ایده‌آل‌گرایی و کمال‌گرایی افراطی^۱ در انتخاب همسر

کمال‌گرایی افراطی در ازدواج به معنای انتظار داشتن یک همسر بی‌نقص و ایده‌آل براساس معیارهای غیرواقع‌بینانه است. کمال‌گرایی افراطی موجب می‌شود افراد استانداردهای بالایی برای خود و اطرافیان تعیین و پیگیری کنند و توقعات زیادی از خود یا اطرافیان داشته باشند (فrehوش و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۵۲). این نگرش می‌تواند منجر به تأخیر در ازدواج، نارضایتی زناشویی و حتی انزوای اجتماعی شود. برای مثال ممکن است برخی در روابط خود در پی ویژگی‌ها و خصوصیات خاصی و انتظارات بیش از بالا و غیرواقعی باشند. مطالعات نشان می‌دهند که کمال‌گرایی مفرط یکی از عوامل مهم در افزایش آمار تجرد و طلاق در جوامع مدرن است (Clarke, 2023). در بحث انتخاب همسر نیز «کمال‌گرایی فرد در ازدواج سبب می‌شود که فرد در صورت فراهم‌نبودن

1. Extreme Idealism and Perfectionism.

تمام مقدمات آن را غیرعقلانه بدانند. در واقع این تفکر سبب می‌شود که فرد با داشتن انتظارات غیرواقع بینانه از خود، همواره خود را ناتوان از ازدواج و تشکیل خانواده می‌داند» (حسین‌خانی، ۱۳۹۹، ص ۸۰).

در حالی که در فرهنگ اسلامی، انتخاب همسر امری مقدس و سرنوشت‌ساز به‌شمار می‌رود؛ اما همواره بر تعادل و میانه‌روی در این امر تأکید شده است. متون دینی به روشنی در برابر گرایش به کمال‌گرایی افراطی در انتخاب همسر هشدار داده‌اند. قرآن کریم در سوره نساء با عبارت «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء، ۳۲)، به صراحت از آرزو کردن امتیازات و برتری‌هایی که خداوند به برخی داده، نهی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۳۶). از این آیه می‌توان استفاده کرد که مقایسه و طلب کمال‌های مادی و ظاهری، رویکردی نادرست در همه امور از جمله انتخاب همسر است. چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْكَمَالُ فِي الدُّنْيَا مَفْقُودٌ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۷؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۹)؛ این بیان نشان می‌دهد که دستیابی به کمال مطلق در دنیا ممکن نیست و انسان همواره ناقص است. این حدیث هشدار می‌دهد برای واقع‌بینی و پرهیز از آرمان‌گرایی افراطی در مسیر کمال. باید در جستجوی کمال تلاش کرد، اما نباید انتظار داشت که در این جهان به کمال مطلق رسید.

نکته مهم دیگر توجه به پیامدهای کمال‌طلبی افراطی است. تحقیقات نشان می‌دهد گرایش پسران برای کسب موقعیت اقتصادی-اجتماعی بالا پیش از ازدواج و تمایل دختران برای برابری با مردان در اشتغال، همراه با چشم و هم‌چشمی، معیارهای انتخاب همسر را تغییر داده و به آرمان‌گرایی افراطی منجر می‌شود. این وضعیت سبب محرومیت از ازدواج و نداشتن خواستگار مناسب می‌گردد (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۸۳)؛ همچنین پژوهشی در سال ۲۰۰۴ نشان داد که بسیاری از زنان حرفه‌ای در جهان مجرد مانده و چالش‌های مشترکی دارند (ر.ک: آیت‌اللهی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۸۳). این مطلب به خوبی نشان می‌دهد که انتظار یافتن همسری بی‌عیب و نقص، نه تنها دست‌نیافتنی است؛ بلکه خود موجب محرومیت می‌شود.

سنت نبوی و روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز با تأکید بر واقع‌بینی و پرهیز از وسواس در

انتخاب، همسو با این یافته‌ها هستند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «إِذَا جَاءَكُم مِّنْ تَرْصُونٍ دِينَهُ وَخُلُقُهُ فَرَّوْجُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴۷)؛ هنگامی که کسی [برای خواستگاری] نزد شما آمد که دین و اخلاقش را می‌پسندید، [دخترتان را] به ازدواج او در آورید» این روایت به وضوح اولویت معیارهای اصلی (دین و اخلاق) و نهی از تأخیر بی‌جهت و انتظارات فراتر از حد متعارف را بیان می‌کند. بر همین اساس است که در برخی روایات دیگر تأکید شده، در صورت مهیا بودن مقدمات اولیه، به دلایل واهی ازدواج را به تأخیر نیندازند (ر.ک: ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۸۹؛ راوندی، بی‌تا، ص ۱۲). تأکید مکرر بر اصل ازدواج، مانند حدیث نورانی «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۶؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۸۲)، نیز در این بافت، در حکم هشدار جدی نسبت به محرومیت از این نعمت بزرگ به دلیل معیارهای غیرواقع‌بینانه است.

از منظر قرآن، ارزش‌نهایی انسان به تقواست (حجرات، ۱۳). این نگرش، اولویت را از معیارهای مادی و ظاهری صرف به سمت ارزش‌های معنوی تغییر می‌دهد. با این حال، خود تأکید بر معیارهای معنوی نیز باید در چارچوبی واقع‌بینانه و متعادل فهمیده شود تا به آرمان‌گرایی تخریب‌گرایانه‌ای دیگر تبدیل نشود. اسلام با ارائه معیارهایی که هم اصیل هستند و هم قابل حصول، به دنبال اعتدال در فرآیند همسرگزینی است؛ برای نمونه، تأکید امام صادق (ع) بر دو معیار «دین و اخلاق» به عنوان شاخص‌های اصلی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴۷)، روایاتی که ساده‌گیری و سرعت در تصمیم‌گیری بر مبنای حداقل‌های اصیل را توصیه می‌کنند، الگویی متوازن ارائه می‌دهند. در این الگو، رضایت به داشتن دین و اخلاق کافی است و نه انتظار دستیابی به فردی در اوج تقوا و دانش دینی؛ بنابراین، اسلام با تعریف یک «کف» کیفی معقول (دین‌داری و خوش‌اخلاقی) به جای یک «سقف» آرمانی دست‌نیافتنی، مؤمنان را از افتادن در دام کمال‌گرایی مخرب، مادی یا معنوی، باز می‌دارد.

راهکار نهایی که از مجموعه این آیات و روایات استنباط می‌شود، اولویت‌بندی معیارها براساس ارزش‌های الهی، توکل بر خداوند در امور ازجمله انتخاب همسر و پرهیز از سخت‌گیری‌های بی‌مورد است (ر.ک: طلاق، ۳). براین اساس، می‌توان گفت

نگرش متعادل و واقع‌بینانه می‌تواند جامعه اسلامی را از بسیاری مشکلات ناشی از کمال‌گرایی افراطی در انتخاب همسر مصون دارد.

۴-۲. سهل‌گیری^۱ در انتخاب همسر

سهل‌گیری در انتخاب، نقطه مقابل ایده‌آل‌گرایی افراطی است. «سهل‌گیری یا ساده‌انگاری» به عنوان یک عامل انحراف، اشاره به برداشت سطحی و غیرواقع‌بینانه از معیارهای ازدواج دارد. در این پژوهش، «سهل‌گیری یا ساده‌انگاری» به معنای یک خطای شناختی در نظر گرفته شده که منجر به انحراف از انتخاب صحیح همسر می‌شود. برخی از افراد «در انتخاب همسر از انجام تحقیقات میدانی درباره همسر مورد نظر خود اجتناب می‌کنند، به کمترین سطح کمی و کیفی در گفت‌وگو با فرد مقابل بسنده کرده و خود را نیازمند به مشورت با صاحب‌نظران نمی‌دانند و مراحل همسرگزینی را به سرعت و سطحی پیش می‌برند. آمار فزاینده طلاق به ویژه در نخستین سال‌های ازدواج شاهد آن است که بخش قابل توجهی از آسیب‌های خانوادگی متأثر از سهل‌انگاری در مرحله همسرگزینی است» (حسین‌خانی نائینی، ۱۳۹۵، ص ۷۲).

در آموزه‌های دینی، هرچند از کمال‌گرایی افراطی در انتخاب همسر نهی شده؛ اما به همان اندازه بر پرهیز از سهل‌گیری و بی‌مبالاتی در این امر سرنوشت‌ساز تأکید گردیده است. اسلام در مسئله همسرگزینی به دنبال ایجاد تعادل میان عقل و احساس، دین و دنیا است. اسلام از یک سو از سخت‌گیری‌های بی‌مورد نهی می‌کند و از سوی دیگر هشدار می‌دهد که آسان‌گیری نباید به بی‌مسئولیتی تبدیل شود. همان‌گونه که امام علی (ع) اعتدال را در همه امور ضروری می‌داند و هر گونه افراط و تفریط را مضر و فسادانگیز می‌خواند: «فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهٖ مُضِرٌّ، وَ كُلُّ إِفْرَاطٍ لَهٗ مُفْسِدٌ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۷)؛ همچنین امام باقر (ع) در حدیث دیگری می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ التَّفْرِيطَ عِنْدَ إِمْكَانِ الْفُرْصَةِ فَإِنَّهُ مَيْدَانٌ يَجْرَى لِأَهْلِهِ بِالْحُسْرَانِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۸۶)، این عبارت بر اهمیت

1. Negligence.

بهره‌برداری از فرصت‌ها و پرهیز از سهل‌انگاری در استفاده از آن‌ها تأکید دارد و نقش بسیار مهم موضوع سهل‌گیری در استفاده از فرصت‌ها و انتخاب‌های پیش‌رو از جمله انتخاب همسر را نشان می‌دهد. در فرآیند انتخاب همسر، نباید فرصت‌های مناسب را نادیده گرفت یا به آسانی از کنار آن گذشت؛ از این‌رو، در امر انتخاب، باید میان افراط و تفریط رفتار کرد. چراکه ازدواج بدون تحقیق و آگاهی و در نظر گرفتن معیارهای اصیل و صرفاً براساس معیارهای کم‌ارزش و بی‌اهمیت، سبب مشکلات بعدی در زندگی خواهد شد. بر این اساس، قرآن کریم در سوره نور به صراحت اصل همتایی و تناسب در ازدواج را مطرح می‌کند: «الْخَيِّثَاتُ لِلْخَيْثِثِينَ وَالْخَيْثِثُونَ لِلْخَيِّثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور، ۲۶). این آیه شریفه به وضوح نشان می‌دهد که انتخاب همسر نمی‌تواند امری کاملاً سلیقه‌ای و بدون معیار باشد.

همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی هشداردهنده فرموده‌اند: «از سبزه روئیده بر مزبله بپرهیزید. پرسیدند: ای رسول خدا، سبزه مزبله چیست؟ فرمود: زن زیبارویی که در محیطی پست پرورش یافته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۲). این روایت به وضوح نشان می‌دهد که معیارهای ظاهری به تنهایی کافی نیستند و دقت در اصل و نسب فرد نیز مهم است.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «هر گاه مردی با زنی فقط به خاطر زیبایی یا مالش ازدواج کند، به همان (زیبایی یا ثروت) واگذار می‌شود؛ اما اگر به خاطر دین و فضیلت او ازدواج کند، خداوند مال و زیبایی را به او عطا می‌کند...» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۹۶)؛ همچنین در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «هر کس با زنی، تنها به خاطر زیبایی اش ازدواج کند، دلخواه خود را در او نمی‌بیند و هر کس جز به خاطر دارایی اش با او ازدواج نکند، خداوند، او را به همان دارایی وامی‌گذارد. پس بر شما باد [ازدواج با] زن متدین!» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۹۹).

این حدیث نشان می‌دهد که انتخاب یک‌بعدی و نادیده گرفتن معیارهای اصیل، منجر به پشیمانی می‌شود؛ بنابراین، آموزه‌های اسلامی با ارائه معیارهای متعادل مانند

دینداری، اخلاق، اصالت خانوادگی و فضایل، هم از افراط در کمال‌طلبی و هم از تفریط در سهل‌انگاری در انتخاب همسر جلوگیری می‌کند.

۳-۴. همسان‌انگاری معیارها و عدم اولویت‌بندی در انتخاب

برخی معتقدند دینداری، ویژگی‌های اخلاقی، خصوصیت‌های ظاهری، سلامت جسمی و روانی، سن، میزان و رشته تحصیلی، شرافت خانوادگی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، وضعیت و نوع اشتغال، همه از معیارهای همسرگزینی داوطلبان ازدواج است؛ از این رو، برای باورند که ارزش‌مندی معیارهای انتخاب همسر یکسان است و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد (ر.ک: سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱؛ حسین‌خانی، ۱۳۹۹، ص ۸۴). امروزه مشاهده می‌شود که همسرگزینی نه تنها در جهت حفظ هویت خانوادگی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه عواملی چون سطح تحصیلی، شغل، ثروت، دارایی، زیبایی و .. نسبت به عواملی چون اصالت خانوادگی، منزلت اجتماعی، تدین و اخلاق دینی پیشی گرفته است و ملاک و معیار جوانان گشته است (ر.ک: سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱). از سویی دیگر، طبق تحقیقات میدانی انجام شده، عوامل چون ناآگاهی، ازدواج بر پایه ملاک‌های احساسی، مادیات و ...، موجب بی‌توجهی به ملاک‌ها، یا عدم تطبیق ملاک‌ها با همسر بالقوه آینده شده است (حاتمی‌کیا و همکاران، ۱۴۰۱، صص ۴۱-۴۲). در صورتی که فرایند آشنایی و بررسی ملاک‌ها به صورت سهل‌انگارانه یا عدم اولویت‌بندی در ازدواج چه به شکل سنتی و چه به شکل غیرسنتی احتمال دارد به جدایی منجر شود (ر.ک: حاتمی‌کیا و همکاران، ۱۴۰۱).

در منظومه فکری اسلام، انتخاب همسر به عنوان یکی از سرنوشت‌سازترین تصمیمات زندگی انسان، از چارچوبی دقیق و نظام‌مند برخوردار است. با تأمل در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) به وضوح درمی‌یابیم که رویکرد سطحی و یکسان‌انگاری معیارهای انتخاب همسر، مورد انتقاد جدی قرار گرفته است. قرآن کریم

1. Equating.

با بیانی روشن در سوره بقره اولویت‌های الهی در این زمینه را ترسیم می‌نماید: «وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا...» (بقره، ۲۲۱).

این آیه شریفه به صراحت نشان می‌دهد که ایمان و تقوا باید در رأس تمام معیارهای انتخاب همسر قرار گیرد، حتی اگر این انتخاب به معنای چشم‌پوشی از مزایای ظاهری و مادی باشد و ملاک شایستگی در طرف ازدواج ایمان است نه مزایای اعتباری دیگر (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۰۵). دلیل این ممنوعیت تفاوت اساسی در اعتقادات است و ازدواج نباید با کسانی صورت گیرد که در اعتقادات با شما اختلاف اساسی دارند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵۰). چرا که تشکیل خانواده بر پایه چنین اختلافی، نتیجه‌ای جز ایجاد خانواده‌های سست بنیان نخواهد داشت.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حدیثی جامع، نظام ارزشی اسلام در این زمینه را به زیبایی ترسیم فرموده‌اند: «لَا تُنْكَحُ الْمَرْأَةُ لِأَرْبَعَةٍ: لِمَالِهَا، وَجَمَالِهَا، وَنَسَبِهَا، وَلَدَّتِهَا؛ فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۰۱).

این حدیث اهمیت ویژگی‌های معنوی و اخلاقی در ازدواج را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که عوامل مادی و ظاهری نباید اولویت داشته باشند؛ از این رو، توصیه می‌کند که در پی ازدواج با زنی دیندار باشید؛ زیرا دینداری مهمترین عامل در انتخاب همسر است.

در آموزه‌های قرآنی و روایی ﷺ، معیارهای انتخاب همسر به دو دسته متمایز قابل تقسیم‌اند:

الف) معیارهای بنیادین و غیر قابل اغماض؛ چون: ۱- ایمان و تقوا به عنوان سنگ

بنای زندگی مشترک (ر.ک: بقره، ۲۲۱؛ ممتحنه، ۱۰؛ و نیز در روایات: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۵۰)؛ ۲- اخلاق نیکو که ضامن آرامش خانواده است (ر.ک: نساء، ۱۹؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۴۳؛ ج ۳، ص ۵۵۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۵)؛ ۳- اصالت خانوادگی^۱ که

1. Family Lineage.

مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سالم در فرزندان است. چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از خانواده و دامن شایسته، همسر انتخاب کنید؛ زیرا عرق (نطفه و ژن) تأثیر می‌گذارد» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۷)؛ همچنین در روایت دیگری می‌فرماید: «نیک بنگر که می‌خواهی فرزندت را در دامن چه کسی قرار دهی (چه کسی را برای مادری انتخاب کنی)؛ زیرا عرق و خصوصیات ارثی، به صورت ناخواسته و بدون اختیار منتقل می‌شود و تأثیر می‌گذارد» (قضای، ۱۳۶۱، ص ۳۰۹)؛ ۴- سلامت روحی و روانی؛ امام علی علیه السلام درباره ازدواج با افراد احمق (فاقد عقل و شعور کافی) می‌فرماید: «از ازدواج با افراد احمق و نادان پرهیزید؛ زیرا هم‌نشینی با آنان بلاست و فرزندان تباه می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۵۴). ازدواج با فردی که از سلامت روان برخوردار نیست، نه تنها موجب نسلی معیوب می‌شود، بلکه زندگی را سخت و رقت‌بار خواهد کرد.

ب) معیارهای ثانویه و انعطاف‌پذیر؛ مانند: ۱- زیبایی و جمال ظاهری که نباید به عنوان معیار اصلی در نظر گرفته شود. اما متأسفانه پژوهش‌های بسیاری در خارج از ایران و نیز داخل نشان داده‌اند که یکی از مهمترین ملاک‌ها برای انتخاب همسر جذابیت ظاهری بود (ر.ک: شاکلفورد و همکاران، ۲۰۰۵؛ حیدری و همکاران، ۱۳۸۷؛ بلالی و مخدومی، ۱۴۰۰). البته به دل‌نشستن و مورد پسند قرار گرفتن که امری شخصی است و برای هر فرد متفاوت است، باید وجود داشته باشد. ۲- برخی از جوانان تمکن مالی و وضعیت خوب اقتصادی را جزو ملاک‌های اصلی می‌دانند (ر.ک: علوی و همکاران، ۲۰۱۴م؛ بلالی و مخدومی، ۱۴۰۰). این در حالی است که آموزه‌های قرآنی بر ساده‌زیستی و توکل بر خداوند در امر ازدواج تأکید دارد. در آیه‌ای خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَاءِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور، ۳۲).

کلمه «ایامی» به معنای بی‌همسران (اعم از مرد و زن) است. مفهوم آیه این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۵۷). از این آیه، تشویق به ازدواج حتی با وجود فقر و توکل بر فضل الهی برداشت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۵۷)؛ بنابراین تأکید

یک‌جانبه بر معیار اقتصادی به عنوان شرط ضروری، با روح کلی قرآن سازگار نیست، اگرچه تمکن مالی در صورت وجود معیارهای اساسی می‌تواند تکمیل‌کننده باشد. اما محور قرارداد آن به عنوان مهم‌ترین ملاک، قابل قبول نیست. ۳- موقعیت اجتماعی که نباید جایگزین ارزش‌های اصیل گردد. برخی تحقیقات نشان داده است که یکی دیگر از ویژگی‌های انتخاب همسر که بیشتر از سوی خانم‌ها مطرح شده است، موقعیت اجتماعی، شغل مناسب و وجهه اجتماعی است (بیجاری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۵۶)؛ البته تلاش برای کسب شغل و درآمد پایدار، به عنوان یک ضرورت عینی و هدفی مشروع پیش از ازدواج، مورد تأیید است. با این حال، تبدیل معیارهای موقعیتی و ظاهری مانند شغل و ثروت به شاخص اصلی انتخاب، انحرافی است که فرآیند تشکیل خانواده را مختل می‌کند. در آغاز زندگی مشترک، داشتن شغل مناسب یک هدف است، اما نباید موقعیت و وجهه اجتماعی به عنوان معیار اصلی قرار گیرد. برخی معیارها مانند ایمان چنان اهمیت بنیادی دارند که مرز دنیا و آخرت را درمی‌نوردند (بقره، ۲۲۱) و با معیارهای مادی مانند ثروت و زیبایی قابل مقایسه نیست (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۴۹). قرآن کریم در مقایسه معیارها، ویژگی‌هایی مانند اسلام، ایمان، قنوت و عبادت را بر معیارهایی چون «ثَبَاتٍ وَأَبْكَاراً» برتر می‌شمارد (تحریم، ۵).

این آموزه‌ها در واقع هشدار می‌دهد که کسانی که در انتخاب همسر، انگیزه‌ای جز اهداف مادی ندارند و معیارهای اصیل الهی را نادیده می‌گیرند.

۴-۴. کفایت وجود عشق رمانتیک^۱ در ازدواج

یکی از مسائل مهم در انتخاب همسر، جایگاه و مفهوم عشق در ازدواج است. پرسش‌هایی مانند تعریف عشق، ضرورت آن پیش یا پس از ازدواج و چگونگی تداوم

1. Romantic Love.

عشق رمانتیک به احساس شدید عاطفی، هیجانی و شهوانی نسبت به دیگری اطلاق می‌شود که معمولاً با میل به intimacy، تعهد و ارتباط exclusivity همراه است. این نوع عشق در ادبیات و روان‌شناسی، بیشتر در مقابل عشق منطقی یا عشق همراه با تدبیر (Practical Love) قرار می‌گیرد.

یا تعالی آن مطرح می‌شود. برخی معتقدند امروزه ازدواج از قیود خانوادگی رها شده و در معیارهای انتخاب همسر، به صورت آشکار یا پنهان، تنها بر عشق و علاقه زوجین تأکید می‌شود (ر.ک: اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰).

نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد برخی افراد عشق را ملاک اصلی ازدواج می‌دانند و اعتقاد دارند که این عشق شدید، ضعف طرف مقابل در سایر ابعاد را جبران می‌کند (حسین‌خانی، ۱۳۹۹، ص ۸۴). نباید این نوع عشق‌های احساساتی و زودگذر را با بلوغ عقلانی و عاطفی اشتباه گرفت. تأکید افراطی بر احساسات پیش از ازدواج، منجر به شکل‌گیری تصویری ایده‌آل و غیرواقعی می‌شود که نقاط ضعف را نادیده یا توجیه می‌کند. این تحریف شناختی که ناشی از عوامل بیولوژیک و ترس از دست‌دادن رابطه است، ارزیابی منطقی و جامع را مختل می‌سازد. روان‌شناسان خانواده بر این نکته تأکید دارند که حالت شدید هیجانی ابتدایی (عاشق‌شدن) یک پایه ضعیف برای ازدواج پایدار است و باید با عشق‌ورزیدن آگاهانه و مبتنی بر شناخت عمیق که دربرگیرنده صمیمیت و تعهد بلندمدت است، تکمیل شود (ر.ک: Sternberg, 1986)؛ بنابراین، واقع‌بینی پیش از ازدواج همراه با تحلیل عمیق معیارهایی مانند سازگاری و مهارت حل تعارض، و پس از آن گذشت و تلاش مستمر برای بهبود رابطه، از اصول بنیادین مشاوره‌های پیش از ازدواج است. این رویکرد دو مرحله‌ای که با دیدگاه‌های دینی و روان‌شناختی همسو است، انتخاب شایسته‌تر و تداوم زندگی مشترک را تضمین می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «عشق و محبت تو نسبت به چیزی تو را کور و کر می‌کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۰؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۴)، به این معنا که واقعیات و حقایق را نمی‌بیند. امام علی علیه السلام نیز در کلامی می‌فرماید: «چشم عاشق از دیدن معایب معشوق کور است، و گوشش از شنیدن زشتی‌های او کر است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۶۵). چنان‌که یافته‌های برخی تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از زوجین که صرفاً براساس معیار عشق رمانتیک ازدواج کرده‌اند، زندگی آنها با مشکل مواجه شده است و همین امر حاکی از آن است که عشق رمانتیک متضمن زندگی موفقیت‌آمیز نیست (طالبی و ویسی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۷).

در تعالیم اسلام بر اصل همتایی و همانندی در گزینش همسر تأکید شده است، به این معنا که زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج مشابه و همتا باشند. توجه به معیارهایی مانند عشق نیز باید با خود آگاهی و شناخت عقلی فرد از خود و انتظاراتش و همچنین در ارتباط با ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی باشد تا رضایت از زندگی خانوادگی حاصل شود (طالبی و ویسی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۱). براین اساس، مهم‌ترین نقص ازدواج عاشقانه، کاستی در شناخت فردی است که سبب می‌شود عیوب طرف مقابل نادیده گرفته شود.

۴-۵. روی آوردن به اشکال نادرست ازدواج

تغییر در نگرش‌ها و معیارهای ازدواج در عصر جدید، سبب گرایش به اشکال نامتعارفی از روابط خارج از چارچوب شرعی و اخلاقی ازدواج شده است. برخی از این روابط با توجیهاتی مانند «آزمایش سازگاری» یا «بی تأثیری فرمالیسم شرعی» صورت می‌پذیرد (ر.ک: سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۱۸). این الگو که در غرب با عناوینی چون «هم‌خانگی»، «هم‌باشی» یا «همزیستی مشترک» شناخته می‌شود (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۳۷) و گاه به غلط «ازدواج سفید» خوانده می‌شود، در برخی جوامع غربی روندی افزایشی یافته و پیامدهایی چون افزایش موالید خارج از ازدواج مشروع و تضعیف نهاد خانواده را در پی داشته است (شیخی، ۱۳۸۲، صص ۳۵ و ۵۹).

در این الگو دختر و پسر رابطه‌ای را بر مبنای دائمی بودن شروع می‌کنند بدون آنکه رابطه آنها به عنوان ازدواج رسمی به شکل قانونی ثبت شود (گلچین و صفری، ۱۳۹۶، ص ۳۴، به نقل از بیناروویکا^۱، ۲۰۱۳، ص ۲)؛ از این رو، برخی با قراردادن عنوان ازدواج بر این گونه روابط چنین تعریف کرده‌اند: «ازدواج سفید، نوعی زندگی زناشویی و برقراری رابطه جنسی بدون ثبت رسمی پیوند ازدواج است» (صفاری، ۱۳۹۶، ص ۶۴). برخی هم با این تصور که «زندگی مشترک قبل از ازدواج باعث می‌شود زوجها نسبت به یکدیگر بینش عمیق‌تری داشته باشند که این بینش عمیق، باعث سازگاری آنها با یکدیگر می‌شود؛

1. Beinaroviča

همچنین این بینش به آنها کمک می‌کند که نسبت به ازدواج، آگاهانه تصمیم‌گیری کنند» (حسین‌خانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷)، به این شکل از روابط روی آورده‌اند. از منظر آموزه‌های اسلامی، تحلیل پدیده‌هایی مانند «هم‌باشی» یا «ازدواج سفید» در چند محور قابل ارائه است:

۱. حکم تکلیفی: حرمت رابطه جنسی خارج از نکاح

اساس هر رابطه جنسی در اسلام منوط به عقد نکاح صحیح (دائم یا منقطع) است و هرگونه ارتباط خارج از این چارچوب حرام و از گناهان کبیره به‌شمار می‌رود (مانند آیه «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ» اسراء، ۳۲). توجیهات روان‌شناختی یا اجتماعی نمی‌تواند این حرمت ذاتی را برطرف کند.

۲. شرایط صحت عقد نکاح و عدم تحقق در روابط نامتعارف

برای تحقق ازدواج شرعی شرایطی مانند ایجاب و قبول صریح، وجود دو شاهد عادل و تعیین مهریه (در نکاح دائم) ضروری است. روابط نامتعارف فاقد این ارکان هستند. حتی با فرض نظریه «نکاح معاطاتی»، این روابط به‌طور معمول فاقد قصد جدی تشکیل خانواده و التزام به تکالیف زناشویی شرعی هستند.

۳. پیامدهای اخلاقی و اجتماعی از منظر اسلامی

اسلام ازدواج را پیمانی محکم («مِثَاقًا غَلِيظًا» نساء، ۲۱) می‌داند. روابط خارج از این پیمان، علاوه بر حرمت، موجب اختلاط نَسَب، تضعیف مسئولیت‌پذیری، سست شدن بنیان خانواده و آسیب به زنان و کودکان می‌شود. تجربیات جوامع غربی نیز آسیب‌های اجتماعی این سبک زندگی را نشان می‌دهد.

در نتیجه، گرایش به اشکال نامتعارف رابطه از نگاه اسلامی نامشروع، فاقد اعتبار شرعی و مخرب است. راهکار اسلامی، تسهیل ازدواج شرعی از طریق فرهنگ‌سازی و کاهش هزینه‌هاست، نه جایگزینی آن با الگوهای بی‌قاعده.

تحقیقات نشان می‌دهد ازدواج رسمی تغییرات رفتاری مثبتی در فرد و اطرافیان ایجاد می‌کند که در هم‌خانگی بدون ازدواج مشاهده نمی‌شود، مانند ایجاد اعتماد و امکان سرمایه‌گذاری عاطفی و مالی خانواده‌ها (سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۰۴ به نقل از: دی‌پر،

۱۹۹۹م)؛ همچنین نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که میزان خشونت در این نوع همزیستی کمتر نیست و مشاجرات منجر به خشونت فیزیکی در روابط «هم‌باشی» دو برابر ازدواج‌های رسمی بوده است (سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، صص ۲۰۴-۲۰۵ به نقل از: براون و رایت، ۲۰۱۵).

برخلاف تصور رایج، زندگی مشترک پیش از ازدواج لزوماً منجر به شناخت بهتر و سازگاری بیشتر نمی‌شود. پژوهش‌ها در غرب نشان می‌دهد که ازدواج‌هایی که با زندگی غیررسمی (هم‌باشی) آغاز می‌شوند، در مقایسه با ازدواج‌های رسمی، پایداری کمتر و عمر کوتاه‌تری دارند (وستون و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۰). پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج از ایران بیانگر آن است که نارضایتی افرادی که به شیوه روی آورده‌اند، پس از گذشت چند سال به دلایلی چون: آینده نامشخص زندگی (سعیدطالشی و سلطانی، ۱۳۹۷، ص ۳۱)، افزایش احتمال خیانت به خاطر نگاه مثبت‌تر به روابط فرازنشویی (علی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۶۲)، محرومیت از حمایت خانواده و لذت فرزندآوری (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۳۹)، مشکلات قانونی مربوط به فرزندآوری یا پس از جدایی (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۴۰)، ناپایداری و شکنندگی این نوع زندگی و آسیب‌های جدایی (سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۳۳)، و نیز از دست‌دادن فرصت‌ها مهم زندگی سالم (سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۳۳) شدت یافته و منجر به فروپاشی می‌گردد.

در صورتی که از نظر آموزه‌های اسلامی ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده (ر.ک: روم، ۲۱) و بالطبع، جامعه و اجتماع است که انتخاب صحیح و نوع نگاه به آن در پایداری و تحکیم خانواده و نیز پیشرفت یا انحطاط و صعود یا سقوط جامعه تأثیر دارد. روایات بسیاری نیز به ارزش‌مندی ازدواج اشاره شده است چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳).

در آموزه‌های اسلامی، ازدواج نهادی مقدس است که آثار مهمی چون ارضای غریزه جنسی، تولید نسل، تکامل شخصیت، آرامش روانی و حفظ پاکدامنی را در پی دارد. همان‌گونه که امام علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ ابْتَغَى الْهُدَى فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ» (تمیمی

آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۲۶). داده‌های پژوهشی معاصر نیز بر اهمیت این نهاد تأکید دارند؛ به طوری که پژوهش‌ها نشان می‌دهند «ازدواج به عنوان الگوی مناسب رابطه سالم شناخته می‌شود و کودکانی که در خانواده‌های متأهل پرورش می‌یابند، از سلامت جسمانی و روانی بالاتری برخوردار بوده و به سطوح تحصیلی بالاتری دست می‌یابند» (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۴۱).

اسلام رفتار جنسی مطلوب را منحصراً در چارچوب ازدواج تعریف کرده و برای مدیریت گزینه جنسی پیش از ازدواج، رعایت دستوراتی همچون رعایت حجاب (احزاب، ۵۹؛ نور، ۳۱)، حفظ حیا در روابط با جنس مخالف (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۸۱)، و تقوای چشم (نور، ۳۰-۳۱)، گوش (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۲۴۷)، زبان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۳۸) و لمس (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۴) را ضروری دانسته است (نور، ۳۳).

این آموزه‌ها در مقابل پیامدهای ناگوار روابط خارج از چارچوب مانند ازدواج سفید قرار می‌گیرد که مهم‌ترین اثر جامعه‌شناختی آن، از بین رفتن کارکردهای اصلی نهاد خانواده است؛ بنابراین، ازدواج شرعی نه تنها پاسخ‌گوی نیازهای فطری بشر است؛ بلکه ضامن سلامت و تعالی جامعه انسانی به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

در فرآیند انتخاب همسر، جوانان و خانواده‌ها با پنج انحراف عمده روبه‌رو هستند که ثبات و سلامت زندگی مشترک را به مخاطره می‌اندازد. نخستین انحراف، ایده‌آل‌گرایی افراطی است که در آن فرد در جست‌وجوی همسری بی‌نقص بوده و با نادیده گرفتن فرصت‌های موجود، به تأخیر در ازدواج و ناامیدی دچار می‌شود. در مقابل این نگرش، اسلام با پذیرش طبیعی ضعف‌های بشری، بر لزوم رعایت انصاف و تمرکز بر معیارهای اخلاقی تأکید دارد.

دومین انحراف، سهل‌انگاری در انتخاب است که ناشی از بی‌توجهی به بررسی معیارهای اساسی و سازگاری‌های فردی بوده و به ازدواج‌های شکننده می‌انجامد. سومین مورد، نبود اولویت‌بندی صحیح معیارهاست که با یکسان‌انگاری ویژگی‌های

کم‌اهمیت و اساسی، بستر تعارضات آینده را فراهم می‌سازد. در این زمینه، قرآن و سنت بر تقدم معیارهای اعتقادی و اخلاقی تأکید دارند.

چهارمین انحراف، اکتفا به عشق رمانتیک و احساسات زودگذر است که موجب غفلت از معیارهای بنیادین مانند تفاهم و ارزش‌های مشترک می‌گردد. خطرناک‌ترین انحراف، پنجمین مورد یعنی روی آوردن به اشکال نادرست ازدواج مانند هم‌خانگی است که به دلیل نبود پشتوانه شرعی و قانونی، عموماً به شکست و محرومیت از حمایت‌های اجتماعی منجر می‌شود.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، مقابله با این چالش‌ها مستلزم آموزش صحیح، ترویج معیارهای واقعی و تلفیق هوشمندانه عشق با ارزیابی منطقی است. اولویت‌بندی درست معیارها و تأکید بر شناخت منصفانه، کلید اصلی تشکیل خانواده‌های سالم و پایدار به شمار می‌آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم.

آیت اللهی، زهرا؛ حسینی، شیماسادات؛ بانکی پور، امیرحسین؛ نامجو، بتول؛ کتابچی، انسیه، محمدجواد؛ محمودی و مونس، سیاح. (۱۴۰۱). دانش خانواده و جمعیت. قم: دفتر نشر معارف.

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام.

ابن اشعث، محمد بن محمد. (بی تا). الجعفریات (الأشعثیات). تهران: مکتبه النینوی الحديثه.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسين.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۴ق). من لا یحضره الفقیه (مصحح: علی اکبر غفاری). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

ادبی، نعیمه؛ بیگدلی، ایمان الله و اصغری ابراهیم آباد، محمدجواد. (۱۳۹۴). تأثیر عضویت در شبکه های اجتماعی مجازی بر گرایش ها و باورهای پیش از ازدواج: پژوهش کیفی. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۵(۳)، صص ۹۳-۱۰۶.

اسماعیلی، تاجیک؛ مقدسی، سمیه و مقدسی، مجید. (۱۳۹۶). رابطه میان نحوه و میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با ازدواج جوانان تهرانی. تغییرات اجتماعی- فرهنگی، ۲(۱۴)، صص ۱-۱۴.

اعزازي، شهلا. (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

بخاری، محمد بن إسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری (محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر). بیروت: دار طوق النجاة.

بروجردی، آقاحسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعة (چاپ اول). تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

بلالی، اسماعیل؛ مخدومی، خدیجه. (۱۴۰۰). جدایی گزینی فضایی یا جدایی گزینی اجتماعی؟ بررسی مقایسه‌ای الگوهای ازدواج زنان مناطق بالا و پایین شهر همدان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۲(۸۲)، صص ۱۲۹-۱۵۰.

بورغابی فراهانی، ابوالفضل. (۱۳۸۹). فلسفه حقوق خانواده در اسلام و غرب. تهران: اندیشه آفاق.

بیجاری، هانیه؛ سپهری شاملو، زهره؛ مهرام، بهروز و صادقی، منصوره‌السادات. (۱۳۹۸). ملاک‌های انتخاب همسر از دید افراد راضی از ازدواج (در دوره عقد). علوم اجتماعی، ۱۶(۲)، صص ۴۱-۷۶.

پاک‌نژاد، رضا. (۱۳۷۹). ازدواج مکتب انسان‌سازی. تهران: اخلاق. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتاب الاسلامی.

ثناگوی زاده، محمد. (۱۴۰۲). اثربخشی خانواده‌درمانی مذهبی با رویکرد اسلامی بر کارآمدی خانواده، رضایت زناشویی و شاخص‌های غنی‌سازی ارتباط والدین دارای فرزند نوجوان. روان‌شناسی فرهنگی، ۷(۱)، صص ۲۰۸-۲۳۵.

حاتمی کیا، بهناز؛ شریعتمدار، آسیه و نعیمی، ابراهیم. (۱۴۰۱). تجربه انتخاب همسر افراد متقاضی طلاق. پژوهش‌های مشاوره، ۲۱(۸۲)، صص ۳۲-۵۶.

حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث. حسین خانی، هادی. (۱۳۹۵). معیارهای انتخاب همسر و ساخت مقیاس آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

حسین خانی، هادی. (۱۳۹۹). باورهای نادرست درباره ازدواج و نقد آن با تأکید بر منابع اسلامی. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۸(۲۰)، صص ۸۹-۱۱۳.

حیدری، جبار؛ جعفری، هدایت؛ افضل‌ی، محمدعلی؛ محمدپور تهمتن، رضاعلی؛ و محمودی عالمی، قهرمان. (۱۳۸۷). معیارهای ازدواج از دیدگاه دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی مازندران. پژوهش پرستاری، ۳(۱۰-۱۱)، صص ۵۵-۶۲.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.

راوندی کاشانی، فضل الله بن علی. (بی تا). النوادر (چاپ اول). قم: دار الکتاب.

رشید، فاطمه؛ کاظمی پور ثابت، شهلا و آقاجانی مرسا، حسین. (۱۳۹۷). مطالعه و بررسی جامعه شناختی رابطه کیفیت زندگی زناشویی با عوامل جمعیت شناختی (مورد مطالعه: زنان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر کرج). مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۷(۴۱)، صص ۹-۲۸.

رشیدرضا، محمد. (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار. بیروت: دار المعرفة. سعید طالشی، لایلا؛ سلطانی، امان الله. (۱۳۹۷). نقش ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت شناختی در پیش‌بینی نگرش به ازدواج سفید در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان. پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۳(۲۴)، صص ۳۱-۵۳.

سهراب‌زاده، مهران؛ نوروزی، میلاد و عسکری کویری، اسما. (۱۳۹۶). ازدواج سفید؛ انگیزه‌ها و زمینه‌ها. جامعه‌شناسی سبک زندگی، ۳(۹)، صص ۱۸۹-۲۴۹.

سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (للصبحی صالح). قم: مرکز البحوث الاسلامیه.

شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریة.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۳ق). مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.

شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی زنان و خانواده. تهران: انتشارات شرکت سهامی.

صدیقی، اکرم؛ معصومی، احمد و شاه سیاه، مرضیه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با رضایت زناشویی زوجین شهر قم. دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۲(۶)، صص ۹۶۵-۹۷۱.

- صفاری، فروزان. (۱۳۹۶). ازدواج سفید، کارکردها و پیامدها. تهران: انتشارات اسوه.
- طالبی، ابوتراب؛ ویسی، سیمین. (۱۳۹۱). رابطه میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۱۴(۵۶)، صص ۲۴۷-۲۸۳.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق (چاپ چهارم). قم: شریف رضی.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی (چاپ اول). قم: دار الثقافة.
- علی تبار، سیدهادی؛ قنبری، سعید؛ زاده‌محمدی، علی و حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی. خانواده‌پژوهی، ۱۰(۲)، صص ۲۵۵-۲۶۷.
- فrehوش، محمد؛ فrehوش، مجتبی، حافظی، مجتبی و اکیبا، امیر. (۱۴۰۱). سازه کمال گرایی نسبت به همسر با رویکرد نظریه زمینه‌ای: یک مطالعه کیفی. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۸(۱۸)، صص ۴۹-۷۱.
- قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۳۶۱). شرح فارسی شهاب الأخبار (محقق و مصحح: جلال‌الدین حسینی أرموی). تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- گلچین، مسعود؛ صفری، سعید. (۱۳۹۶). کلانشهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد، مطالعه زمینه‌ها، فرایندها، پیامدهای هم‌خانگی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۰(۳۷)، صص ۲۹-۵۷.
- گیدنز، آنتونی، با همکاری کارن بردسال. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). آمار طلاق و ازدواج در ایران. تهران.
- مرکز مطالعات خانواده. (۱۴۰۱). گزارش سالانه طلاق و عوامل مؤثر بر آن. تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- وستون، روت؛ لیکسیا؛ کو و دواوس، دیوید. (۱۳۸۳). تأثیر زندگی مشترک پیش از ازدواج بر فروپاشی ازدواج (مترجم: علی گل محمدی). مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، (۲۵)، صص ۳۶۰-۳۷۵.
- Alavi, M., Alahdad, R., & Shafeq, S. M. (2014). Mate selection criteria among postgraduate students in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (116), pp. 5075-5080.
- Clarke, J. (2023). How to Deal With Perfectionism in Relationships, Updated on November 25. <https://www.verywellmind.com/dealing-with-perfectionism-in-a-relationship-5226092>.
- Global Report on Marital Stability and Mental Health*", Geneva: World Health Organization, 2022.
- Shackelford, T. K., Schmitt, D. P., & Buss, D. M. (2005). Universal dimensions of human mate preferences. *Personality and individual differences*, 39(2), pp. 447-458.
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review*, 93(2), pp. 119-135. <https://doi.org/10.1037/0033-295X.93.2.119>.